



دوره هفتم تقنینیه

جلسه ۹۸	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	شماره ۹۸
تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه لیلہ یکشنبه ۱۳ بهمن ماه ۱۳۰۸ مطابق ۲ رمضان ۱۳۴۸	مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود مطبعة مجلس	قیمت اشتراك داخله ایران سالانه ده تومان خارجہ « دوازده تومان قیمت تک شماره یک قران

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس لیله یکشنبه ۱۳ بهمن ماه ۱۳۰۸ \* (۲ رمضان ۱۳۴۸)

## فهرست مذاکرات

- |  |   |
|--|---|
| ۱ ( تصویب صورت مجلس                                | ۳ ( بقیه شورائی لایحه تأمین مدعی به از ماده ۶ |
| ۲ ( طرح و تصویب لایحه پرداخت اضافه عایدی پست هوایی | ۴ ( ختم جلسه - موقم و دستور جلسه بعد          |
| بکمیانی یوندرس                                     |   |

مجلس ساعت ۹ (مقارن سه ساعت و سه ربع از شب گذشته) بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

### [ ۱ - تصویب صورت مجلس ]

صورت مجلس روز پنجشنبه ۱۰ بهمن ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند \*\*

- |                     |                        |
|---------------------|------------------------|
| رئیس - آقای فرخی    | یاسائی - قبل از دستور  |
| فرخی - قبل از دستور | رئیس - آقای اعتبار     |
| رئیس - آقای زوار    | اعتبار - قبل از دستور  |
| زوار - قبل از دستور | رئیس - آقای دهستانی    |
| رئیس - آقای یاسائی  | دهستانی - قبل از دستور |

\* عین مذاکرات مشروح نود و هشتمین جلسه از دوره هفتم تقنینیه (مطابق قانون ۸ آفریماه ۱۳۰۵) دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

\*\* اسامی غائبین که ضمن صورت مجلس خوانده شده است:

- غائبین با اجازه آقایان: حسنعلی میرزا دولتشاهی - افخمی - دکتر امیرانم - یالیزی - آفرزاده سبزواری - امیر عمري موفر - اورنگ - بروجردی - امیر حسن خان - مهدوی - ارباب کخسرو - تیمورتاش - حاج سید محمود غنین بی اجازه آقایان: مهمی - میرزا حسن خن وثوق - بوشهری - فولادوند - آصف - دیوان بکی - اعظم لرستانی - فوام - حاج رحیم آقا - میرزا ابو الفضل - کزئی - بدت - حاج حسین آقا مهدوی - شیخعلی مدرس - حاج حسن آقاملک حاج غلامحسین ملک - رفع
- دیر آمدگان با اجازه آقایان: روحی - محمد ضیائی - رهبری - عبدالحمید خن دیبا - پور محسن - دشتی - عراقی
- دیر آمدگان بی اجازه آقایان: شامت زاده - اسدی

رئیس - آقای حیدری

حیدری - قبل از دستور

رئیس - در صورت مجلس مخالفی نیست ؟

جمعی از نمایندگان - خیر. دستور

رئیس - صورت مجلس تصویب شد

جمعی از نمایندگان - دستور دستور

فرخی - مخالفم مخالفم

رئیس - بگوئید آقای

فرخی - کار بمقدمه ندارم عجله این جا مجلس

شورای ملی است و من هم یک نفر نماینده ملت هستم راست است که حکومت پارلمانی حکومت عدد و نفر است و البته اکثریت میتواند اجازه بیک نفر و کبی که در اقلیت است ندهد ولی حق و عدالت انصاف و مروت مقتضی این است که احساسات یک نفر وکیل را ترور نکنند (با حرارت) و بگذارند اظهاراتی که راجع به خیر عمومی است بنماید (با حرارت) اگر پسندیده نیست رد کنند. اکثریت گمان میکنند که من ناسزا خواهم گفت ؟ معاذ الله. نسبت بمقام کسی بی احترامی خواهم کرد ؟ هرگز بنده حتی از آمال و آرزوی پر عرض و طول خودم هم صرف نظر خواهم کرد و در حدود قانون اساسی مطابق آمال و آرزوی همه آقایان نمایندگان صحبت خواهم کرد اجازه یا اکثریت است اگر بدهند بگویم و الا تسلیم هستم

رئیس - آقایانیکه با ورود در دستور موافقت قیام

فرمایند (اعلب قیام نمودند) تصویب شد

[ ۲ - طرح و تصویب لایحه پرداخت اضافه

عایدات پست هوائی بکمپانی یونکرس ]

رئیس - خبر کمیسیون بودجه راجع بمؤسسه

یونکرس مطرح است

را مجلس هم بداند که ترتیب آن چه چیز است والا در اصل دادن بیست و پنج هزار تومان و اینها آقای معاون يك توضیحاتی دادند که ما قانع شدیم. حالا راجع باین عمل هم اگر دولت مطلع است ترتیبی دارد نظامنامه برای این عمل تنظیم کرده است در تحت نظامنامه و موادش معین است که منافعی که از این حمل و نقل و مسافرت بخزانة مملکت عاید می شود آن را توضیح بدهند و اگر ندارد بنده پیشنهاد خودم را تعقیب میکنم آقایان هم توجه فرمایند البته حکومت با آقایان است

معاون وزارت پست و تلگراف - در موقعیکه این قرار داد با کمپانی یونکرس بسته شده است ...

بعضی از نمایندگان - آقا بلند تر

رئیس - اینجا بفرمائید

معاون - (بشک کرسی نطق) بهیچوجه کرایه مسافریں متفرقه را محدود نکرده و با او قرار نگذاشته اند که باید از ۸ نفر مسافر چه بگیری البته باید در آتیه این مسئله را در نظر گرفت و قراری گذاشت اما مطابق کنتراتی که دارد و قانونی که در سوم اردی بهشت گذشته است همچو چیزی رامعین نکرده است ولی راجع بنظامنامه در دست اقدام است و عنقریب نظامنامه که تنظیم شده است می آورند و از نظر آقایان میگذرد (بعضی از نمایندگان صحیح است)

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده با دادن حق هرکس را بخودش مخالف نیستم اما عقیده ام این است که هرکس يك معاهداتی يك قرار دادی با يك دولتی می بندد باید در سر قرار داد های خودش بایستد (ظهرانی این معاهده نیست) و در قرار داد های خودش استقامت کند و از طرف هم نخواهد که او هم در قرار داد هایش موافقت بکند. اینجا از قراریکه میشنوم و در قانون این کمپانی هم هست باید سالی چند نفر را تعلیم هوا پیمائی بدهد که ایرانی

است نهایت ادله هم باندازه نبوده است که بتوانم اکثریت راملزوم کنم حالا کمپانی تشکیل شد و منافعی هم دارد لیکن بنده خواستم از آقای وزیر پست و تلگراف یا آقای معاون محترم که تشریف دارند عملیات کمپانی را سؤال کنم چون وزراء که کمتر برای جواب سؤال های می آیند در این مسئله هم بنده سؤالی نداشتم شاید هم چنانچه سؤال میکردم برای جواب میامدند مثلاً عنوان مسافرت کردن با کمپانی یونکرس را همه میدانند که اختلاف پیدا میکند گاهی مسافرت از طهران بشیراز چهل تومان است گاهی سی و پنج تومان است گاهی سی تومان حالا شنیده ام که مسافرت از طهران بخراسان هم اختلاف پیدا کرده است ابداً التزامی در این مسئله نیست این يك موضوع دیگر راجع بمنافعی است که کمپانی تحصیل میکند آخر مسافرتی که میکنند مجلس مجلس ایران است حکومت و قوانین ایران است و باید در تحت اداره قوانین و حکومت ایران باشد این مسافرتی که واقع میشود منافعی که از آن حاصل میشود این کمپانی هائی که این همه منافع از مملکت ما میبرد بخزانة مملکت چه عاید میکنند ؟ ما تمام تخمیلات را خودمان برخومان میکنیم درست است ایرانیها يك قدری مهمان نوازند اما در دیزی باز است گریه هم باید حیا داشته باشد. ما مهمان نواز کمپانیها هم آزاد اما در حدودی که بدانیم چه میدهند منافعی که از این مسافریں حاصل میکنند چقدر است ؟ این است که بنده برای اینکه این مسئله تأمین شود و بعد از آن هم دست دولت باز باشد در منافعی که کمپانی یونکرس از مسافریں حاصل میکند منافعی که از حمل و نقل میرد پیشنهاد کردم که دولت یعنی وزارت پست و تلگراف مکلف باشد نظامنامه تنظیم کنند برای حرکت کردن مسافر توسط طیاره و همینطور حمل و نقل و آن را بکمیسیون پست و تلگراف مجلس بیاورد بعد از تسلیم کردن بکمیسیون که در واقع نماینده ها هم اطلاع پیدا کنند ترتیب مسافرت

خبر از کمیسیون بودجه بمجلس مقدس شورای ملی کمیسیون بودجه لایحه نمره ۴۷۷۷۷ وزارت پست و تلگراف را در تحت شور و مذاقه قرار داده و در جلسه هشتم بهمن باتفاق آراء ماده واحده ذیل را تصویب و اینك خبر آن تقدیم میشود

ماده واحده - مجلس شورای ملی بوزارت مالیه اجازه میدهد مبلغ بیست و پنج هزار تومان از محل عایدات سال ۱۳۰۸ پست هوائی بوزارت پست و تلگراف اعتبار دهد که مطابق قانون مورخ ۳ اردیبهشت ۱۳۰۸ در وجه کمپانی هوا پیمائی یونکرس در طهران پرداخت نماید.

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - موافقم

رئیس - آقای روحی

روحی - عرضی ندارم

رئیس - آقای آفاسید یعقوب

آفاسید یعقوب - اصل موضوعی که در این لایحه

است بنده یک تبصره هم پیشنهاد کرده ام و خدمت مقام ریاست تقدیم کرده ام آقای معاون محترم هم توجه داشته باشند اساساً ما مخالفت با اصل نداریم موضوع این است کمپانی هائی که می آیند و قوانینی که از مجلس میگذرد و یا مطابق آن قوانین تشکیل شرکت با کمپانی میدهم تا قوانین را نگذرانده اند کاملاً مطیع قوانین و اوامر حکومتند ولی بعد از آنکه قانون از مجلس گذشت و رفت بدست قوه مجریه و دولت هم داد بکمپانی و در مقام عمل آمد بعد از آنکه در مقام عمل آمد دیگر آن عملیاتی که مطابق آمال و آرزو است آن عملیات بروز نمیکند مثلاً کمپانی یونکرس یکی از کمپانیهای معظمه است بواسطه اینکه شعب آن در تمام دنیا هست یک شعبه آن هم در طهران تشکیل شده است بنده از جمله اشخاصی بودم که در دوره پنجم که قانونش آمد مخالف بودم اما مخالفت بنده دارای یک ادله بوده

هم شده محتاج بخارج نباشد این يك مسئله است كه كه جزو قرار دادشان بوده است ولی تا بحال عمل نکرده اند نه مدرسه معلوم است از این باب و نه شاگردی كه چیزی تعلیمش داده باشند در اینصورت معلوم است كه این را هم میتوان گفت مثل سایرین است. یکی دیگر اینکه در قرار دادش بنا بوده است در بعضی نقاط دیگر ایران هم تاسیس پست هوا پیمائی کند و نکرده است چون کمپانی بمعاهدات خودش وفا نکرده است ما هم ملزم نیستیم كه بمعاهدات خودمان وفا کنیم تا زمانیکه کمپانی بمعاهدات خود وفا نکرده است اگر وفا کرده اند آقای معاون بفرمایند وفا کرده اند ما هم موافقیم و الا بنده نمیتوانم موافقت کنم.

معاون وزارت پست و تلگراف - تاکنون مطابق قرار دادی كه شده است و قانونی كه گذشته است عمل کرده فقط در خصوص مدرسه يك تاخیری شده بود و اخیراً از طرف اعلیحضرت همایونی هم يك تأکیدی شد و آقای سرتیپ نخجوانی هم يك روز آمدند و حضور داشتند و کمیونی در این خصوص در وزارت پست و تلگراف تشکیل شد و نظامنامه و ترتیبانی داده اند كه قریباً آن مدرسه تاسیس خواهد شد و نتیجه اش هم بعرض آقایان خواهد رسید

چند نفر از نمایندگان - كافی است

رئیس - آقای ملك مدنی

ملك مدنی - موافقم

رئیس - آقای فرهمند

فرهمند - موافقم

رئیس - آقای دكتر سنك

دكتر سنك - عرضی ندارم

جمعی از نمایندگان - مذاکرات كافی است

رئیس - پیشنهاد آقای احتشام زاده قرائت میشود

بعضی از نمایندگان - نیستند

رئیس - پیشنهاد دیگر

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

پیشنهاد میکنم تبصره بماده واحده اضافه شود:

تبصره - وزارت پست و تلگراف مكلف است نظامنامه ترتیب مسافرت و حمل و نقل بتوسط طیاره كمپانی یونكرس تنظیم نموده پس از تصویب كمیسیون پست و تلگراف بموقع اجرا بگذارد.

رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - بنده عقاید خود را در موضوع این تبصره عرض کرده. حالا معاون محترم كه در اینجا بیان كردند فرمودند نظامنامه در این باب نوشته می شود اگر ایشان تأمین كنند نظریه بنده را كه نظامنامه ترتیب مسافرت نوشته شود و كمیسیون پست و تلگراف بیاورند كه كمیسیون هم در آن نظامنامه نظر داشته باشد پیشنهاد خود را مسترد میکنم این مسئله هم مسئله تنظیم دادن مسافرت و معلوم بودن عوائدی است كه از مسافرت حاصل میشود اگر تعیین میشود این نظریه و خواهند كرد بنده تبصره خود را مسترد میدارم و اگر نمیکنند بسته است بنظر اکثریت.

معاون وزارت پست و تلگراف - نظامنامه

كه نوشته خواهد شد

كازرونی (مخبر كمیسیون) - عرض كنم مابین كمپانی

یونكرس و وزارت پست و تلگراف يك نظامنامه مدون مرتبی كه با تراضی نوشته شده موجود است و همچو موضوع روی هواوانیها نیست مدهما بر سر نوشتن نظام نامه گفتگو و اختلاف فی بین وزارت پست و تلگراف و كمپانی یونكرس بوده و این نظامنامه هم معمول است بعلاوه تصدیق بفرمائید ما الان يك قرار داد جدیدی راجع بیونكرس نمیخواهیم بتصویب مجلس برسانیم. سابقاً يكقانونی گذرانده ایم حالا راجع بكیفیت محاسبات

خزانه داری است اینجا را میخواهیم درست كنیم نمی آئیم كه بقرار داد جدیدی با كمپانی یونكرس به بنديم. نظام نامه اش هم بیاید اینجا گمان میکنم مورد نداشته باشد بگذارید هر وقت قرار دادش برای تجدید آمد هر پیشنهادی دارید بفرمائید.

آقا سید یعقوب - بنده برای اینکه پیشنهادم رد نشود استرداد میکنم. ولی جواب آقای مخبر هم هیچ كافی نبود.

رئیس - پیشنهاد دیگر:

پیشنهاد آقای فیروز آبادی

بنده پیشنهاد میکنم از روزی كه كمپانی بمعاهدات خود عمل نماید از آن روز این اضافه ایشان پرداخته شود

رئیس - بفرمائید

فیروز آبادی - بنده بهمان نظری كه عرض كردم عقیده ام این است معاهداتی كه میشود (يكی از نمایندگان - اینجا را معاهده نمیگویند) باید از طرفین بان عمل شود. خیلی خوب معاهداتی كه شده صحیح این اضافه هم به كمپانی داده شود اما در ضمن این معاهدات قراردادهای دیگری بوده است از قبیل تعلیم شاگرد تاسیس مدرسه از آن روزی كه ایشان بمعاهدات خود وفا بكنند ما هم از همان روز بقرار داد خودمان عمل كنیم ما چرا سبقت كنیم بوفای عهد خودمان بر ایشان معاهده از دو طرف است هر روزيكه ایشان ایفاء بعهد خود كردند ما هم میکنیم. مخبر - عرض كنم اولاً ما با كسی معاهده نداریم يك قراردادی است فیما بین دولت ایران و كمپانی یونكرس كمپانی

یونكرس هم همیشه حاضر بوده است كه قرارداد های خودش را رعایت كندهای يك اختلافاتی حاصل شد در اصل قانونی كه از مجلس گذشته بود با نقطه نظر آنها. مثلاً راجع بمدرسه كمپانی یونكرس میگفت شما خرج مدرسه را بدهید و ما هم مقدمات و ترتیبانش را درست میکنم. دولت ایران متوقع بود خرج مدرسه را هم خود كمپانی بدهد او هم میگفت اینکه ممكن نیست من خرجش را بدهم بالاخره آمدند و تراضی كردند و مدرسه هم دائر خواهد شد در این صورت ما این جا نمیتوانیم بكمپانی بگوئیم تو بر طبق قرارداد خودت رفتار نكردی. وانگهی آقا قانونی را كه حالا ما میگذرانیم راجع بيك چیز تعهد شده است عمل تمام شده است راجع به كمپانی یونكرس ابدأ مذاكره نیست عرض كردم راجع بمحاسبات خزانه داری است و این چه ربطی باین پیشنهاد دارد از این جهت شما میكنم آقا پیشنهادشان را استرداد بفرمائید.

فیروز آبادی - مسترد میکنم.

رئیس - استرداد فرمودید؟

فیروز آبادی - بله

رئیس - رأی میگیریم بلايحد آقايانيكه موافق هستند

ورقه سفید خواهند داد

(اخذ و استخراج آراء بعمل آمده نتیجه بشرح ذیل

حاصل گردید)

ورقه سفید علامت قبول (۸۱) وورقه كبود علامت رد (۲)

رئیس - عدده حاضرین ۹۵ با كثریت ۸۱ رأی

تصویب شد.

اسامی موافقین - آقایان: اعتبار - فهیمی - فرهنگ - دكتر لقمان - سحرابخن - كیان - افشار - مقدم - عدل - دهری - موفّر - ملك مدنی - ظفري - طاهری - مفتی - مولوی - محمد ولیبیرزا - دكتر ملك زاده - فرشی - حكمت - خواجوی - مصدق جه شهمی - كمپانی طباطبائی و كبللی - بذات ماکو - اسکندری - اقبال - میرزا بانس - قاضی نوری - روحی - دستی - طاشخون - امیر آراهمی - صادق - مسعودی امیرنجور - یور محسن - مجد ضیائی - درانی - كاشانی - لاریجانی - فتوحی - حاج میرزا حبیب الله مبین - نصیری - ضیائی - حیدری - دهستانی ذوالقدر - اسفندیاری - جلالی - آقا حسین آقایان - زوار - شهید - رفیع - یاسینی - هزار جریبی - آية الله - شایری - بزرگ نیا و ماب زاده - افخمی - محمد آخوند - رحیم زاده - نوبخت - طباطبائی دیا - مؤید احمدی - جهمی - دیوان سكو - كزوری - شرفی - ایزدی حاج سید محمد - سید مرتضی وثوق - مهدوی - ملك آرائی - همراز - امیر دولتشاهی - صیاد - ارکانی - دكتر نظامی - حسینی - اسدی كیا نوری - اسعد.

اسامی مخالفین - آقایان: قراگوزلو - فیروز آبادی.

[۳- بقیه شور ثانی لایحه تأمین مدعی به از ماده ۶]

رئیس -- لایحه تأمین مدعی به شور ثانی از ماده (۶)

مطرح است

ماده ۶ - در مورد اول ماده قبل پس از درخواست تأمین در مورد ثانی پس از تشخیص اینکه مدعی علیه در صدد تضییع و تفریط مدعی به است و در مورد ثالث آنرا پس از دادن تأمین برای جبران خسارات محکمه مکلف است بدون ابلاغ تقاضا بطرف قرار تأمین را صادر نماید.

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب -- موافقم

( معارضی نبود )

رئیس -- موافقین با ماده ششم قیام فرمایند

( اغلب قیام نمودند )

رئیس -- تصویب شد. ماده هفتم قرائت میشود:

ماده ۷ - در غیر موارد مذکور در ماده ۵ قبول درخواست تأمین الزامی نبوده و منوط بنظر محکمه است لیکن اگر محکمه نظر با امارات قویه و نظر بانکه مدعی علیه در صدد تضییع و تفریط مدعی به است در خواست تأمین را قابل قبول دانست وقتی قرار تأمین را صادر خواهد نمود که مستدعی تأمین جبران خساراتی را که ممکن است بطرف وارد آید و میزان آن را محکمه تخمین خواهد نمود تأمین نماید.

رئیس -- آقای وثوق

آقا سید مرتضی وثوق - بنظر بنده این ماده هفتم

مکرر است زیرا مینویسد در غیر موارد مذکور در ماده پنج قبول در خواست تأمین الزامی نبوده و بنظر محکمه است. این صحیح ولی از عبارت ( لیکن اگر ) بنظر بنده مکرر است لیکن اگر محکمه نظر با امارات قویه و نظر بان که مدعی علیه در صدد تضییع و تفریط مدعی به است در خواست تأمین را صادر خواهد نمود که مستدعی تأمین جبران

خساراتی را که ممکن است بطرف وارد آید میزان آن را محکمه تخمین خواهد نمود تأمین نماید در ماده پنج فقره ۲ مینویسد: هرگاه مستند دعوی سند عادی بوده ولی مدعی علیه در صدد تضییع و تفریط مدعی به باشد در فقره ۳ میگوید: هرگاه مستند دعوی سند عادی است و مدعی برای جبران خساراتی که ممکن است از تأمین بطرف وارد شود و محکمه میزان آن را تخمین خواهد کرد تأمین بدهد در این دو مورد محکمه مکلف است درخواست تأمین را قبول کند این جا مقصودش این است که در غیر آن موارد در غیر آن موارد را بنده نمیدانم موضوعش چه چیز است زیرا که هر دعوائی که می آید محکمه مستند بیک سندی است و الا محکمه آن دعوی را قبول نمیکند منتهی در بعضی جاها سند رسمی است در بعضی جاها سند عادی است سند عادی و رسمی آن ترتیب را دارد سند عادی را هم که یکی در صورت تضییع مدعی به و یکی در صورتیکه مدعی تأمین بکند خسارت مدعی علیه را محکمه ملزم است این جا هم همین موضوع است یکی اینکه تفریط بکند مدعی به را یا اینکه طرف تأمین بدهد محکمه در این جا باید مدعی به را تأمین کند عقیده بنده این است که این مکرر است اگر يك موردی غیر از این موارد هست خوبست آقای مخبر توضیح بدهند تا معلوم شود چیست.

یاسائی ( مخبر کیمسیون ) - آن فرضی است در

ماده پنج شده است و خودشان توجه فرمودند شامل ماده هفت نمیشود. ماده هفت نظر بمواردی است که اسناد رسمی و عادی در کار نیست ممکن است مدعی يك استشهادهی بکند در عرف استشهاد سند عادی هم تلقی نمی شود. راجع بتصرف عدوائی برای اثبات تصرف عدوائی بالاخره راهی ندارد جز اینکه استطلاع بکند از يك اشخاصی و معمولاً سند عادی بنوشتهای گفته میشود که بامضای مدعی علیه باشد مثل سند 'مسك' قباجات همه جا در قانون هم

هست اسناد و نوشتهجات. وقتی که نوشتهجات بود و پایه و اساس دعوی انقدرها بنیانی ندارد قرار تأمین صادر نمیشود جز بدو شرط یکی اینکه مدعی علیه در صدد تضییع و تفریط مدعی به باشد و یکی هم مدعی خسارت اجرای قرار را قبلاً تأمین کرده باشد فرقت این است نوشتهجاتی که سند عادی است آنجا فقط وقتی مدعی علیه در صدد تضییع و تفریط مدعی به باشد قاضی ملزم است که قرار تأمین صادر کند ولی اگر در غیر این مورد بود اصلاً قاضی ملزم بصورت قرار نیست ولی حالا يك اماراتی يك نوشتهجاتی بنظرش رسید که صحیح است و دلیل بر صدق ادعای مدعی است راجع بتأمین درخواست قرار تأمین صادر کند چون مدارك تأمین قطعی نیست ادله اش قبلاً بنظر بیاید که محرز نباشد گفته میشود علاوه بر اینکه مورد تضییع نباشد تأمین نمیشود. بنظر بنده این احتیاط است و ماده خیلی خوبست برای اینکه غیر از موارد ماده پنجم بسیاری از موارد اتفاق می افتد که مشمول این فقرات سه گانه نخواهد بود.

رئیس - آقای کیا

کیا - بنده احتمال میدهم که ( آقای مخبر توجه

فرمایند ) آقایان که در کیمسیون عدلیه هستند يك نظر های دقیقی در این خصوص اتخاذ کرده اند ولی باید تصدیق کرد که ماده پنجم و ماده هفتم يك فهم عادی درش نیست يك اندازه با هم پیچیدگی دارند که ممکن است این پیچیدگی ظاهراً برای قاضی یا متداعین ایجاد اشکال کند بنده تقاضا میکنم آقایان بکندری توجه فرمایند اولاً ماده هفت را اگر تطبیق کنیم با ماده پنج حالا مخالفتش با ماده پنج بجا خودش هم بنفسه يك اشکالی دارد ماده هفت می گوید در غیر موارد مذکوره در ماده پنج قبول در خواست تأمین الزامی نبوده و منوط بنظر محکمه است اینجا اولاً يك اشکال این است بنده اساساً اینطور میفهمم که شما دو قسمت تصور کرده اید يك قسمت مواردی است که بتقاضای

مدعی قاضی مکلف میشود هیچ عقیده خودش را نمی تواند عمل کند ولو عقیده خودش هم برخلاف باشد مجبور است که تأمین کند يك مواردی هم منوط بنظر قاضی است اینجا در مواردی که منوط بنظر قاضی کرده اید باندازه شرایط بان چسبانیده اند سه شرط از ظاهر عبارت معلوم میشود سه شرط درش میگذرانید یکی امارات قویه یکی احراز و ثبوت تضییع و تفریط و یکی هم با وجود هر دو اینها باید تأمین خسارات را بکند بنده اولاً تفهیمیدم که این امارات قویه با تضییع و تفریط چه نسبتی دارد امارات قویه باید در خصوص ثبوت تضییع و تفریط باشد امارات قویه که خودش بکچیزی نمیشود امارات قویه بر ثبوت فلاحت ممکن است بنده تصور میکنم که اینجا يك واو زیادی چپ شده حالا نسخه او را نمیدانم. اینجا میگوید لیکن اگر محکمه نظر بمدرات قویه و نظر بانکه مدعی علیه در صدد تضییع و تفریط مدعی به است در خواست تأمین را قبل قبول بداند بنده تصور میکنم این واو در اینجا زیاد شده است برای اینکه امارات قویه بر تضییع و تفریط است یعنی چون البته قاضی مختار است در غیر موارد ماده پنج بر اینکه تقاضای تأمین را قبول یا رد کند ولی مشروط بر اینکه ادله قویه و امارات قویه برای او ایجاد شود که در صدد تضییع و تفریط است و الا امارات بر چه چیز باشد این را بنده هنوز ندانستم که اینجا دو تا است یا سه تا است یعنی امارات قویه یکی تضییع و تفریط هم یکی. جبران خسارات هم یکی این سه شرط آنوقت بعلاوه همینظوری که تذکر دادم این را هم بنده نمیدانم يك شیشی را يك چیزی را ممکن است حضرتعالی علماً بکوفتی علت نامه بدانید بکوفتی قابل العلم بدانید این غیر این ترتیب است اصلاً تعنتش قابل نیست يك شیشی را ممکن است بکوفتی علت نامه بدانید يك وقت علل دیگر تضییع و تفریط هر وقت ایجاد شد علت نامه برای ایجاد نظر قاضی است ولی این تضییع و تفریط وقتی در يك مورد دیگر ایجاد شد منوط بنظر قاضی

نیست این لازمه اش این است که یک شیئی میتواند در یک مورد بیاید علت نامه بشود و هم علت ناقصه بشود این را بنده نفهمیدم و همینطور در قسمت ثانی و ثالث ماده پنج عرض کردم که این کلیت نمیشود یعنی به استدعای مدعی که من جبران میکنم خسارات وارده از تامين را و محض اینکه پیشنهاد کرد من تامين میکنم خسارات وارده را قاضی ملزم بشود که این را تامين کند. خیلی خوب حالا این پیشنهاد را در اینجا آمديد يك علت نامه كرديد تكليف كرديد براي قاضي به محض اینکه او اظهار کرد من جبران خسارات وارده را میکنم فوراً قاضی مجبور باشد تامين بکند آنوقت باز هم آمده ايد اینجا و گفته ايد در موردی که امارات قویه و ثبوت تضييع و تفریط باشد معذالك بايد خسارات را هم تامين کند این را بنده ملتفت نشدم باین جهت بنده تصور میکنم که این ماده به اینکه البته آقایان و اشخاصی که اینجا هستند و در کمیسیون بودجه هستند (عراقی - کمیسیون عدلیه) کمیسیون عدلیه است اشتباه کردم در کمیسیون عدلیه هستند يك عده هم از آقایان متخصصین هستند و دقت های کاملی کرده اند معذالك بنده عرض میکنم این صورت ظاهرش برای ماها یکقدری سوء تفاهم میکند غیر از ماده هفت و پنج. باین جهت بنده تصور میکنم که ماده هفت را ممکن است مختصرش کرد چون بنده يك پیشنهادی هم نسبت باین ماده نوشته ام مختصرش بکنید که با ماده پنج مخالفت نداشته باشد و این سوء تفاهم را هم ایجاد نکند

رئیس - آقای آقا سید یعقوب موافقت میکنید؟

آقا سید یعقوب - بله. بنده از تغییر عقیده نماینده محترم از پریشب تا بحال خیلی تعجب میکنم پریشب همچو صحبت میکرد که اگر تجدید ادله بشود یعنی مدعی بر تجدید تقاضای تامين مدعی به ادله قویه داشته باشد قاضی مکلف است ای داد بیداد تضييق بر مدعی علیه است و مدعی علیه را بخواهد خفه کند و اینجور

صحبتی بود که میگفت مدعی علیه کاملاً در پرغو بخوابد و مدعی برود سنگ بپندازد تا بغلش خسته بشود چون آدم فضیلتش در اینجا زیاد میشود در اینجا که این ترتیب کردید چرا همچو کاری را کردید یعنی باب تریخیس و تسهیل برای مدعی علیه درست کردند این ماده يك تریخصاتی است یعنی بمجرد تقاضای مدعی تامين ندهند یعنی تقاضای او را نپذیرند یعنی فشار بر مدعی علیه نباشد این است حالا امشب میگویند نه آخر چرا اینطور کردید چرا اینقدر قید را زیاد کردید که محکمه بعد از این قیدها آنوقت تامين بدهد....

کیا - بنده همچو چیزی عرض نکردم.

آقا سید یعقوب - قربانت بروم اعلم العلماء (خنده نمایندگان) گوش کن حالا بلی روی هم رفته وقتی وارد شدید در مذاکرات پریشب خودتان و مذاکرات امشب تن شما الحمد لله مجتهد زاده هستید آنوقت اجتهاد میکنید این را بعد از آنکه ترجمه کردیم فرمایش فاضل محترم را این شد راجع باین ماده در صورتیکه در ماده پنج نظرم نیست خوب میخواهم حالا چه عیب دارد. در موارد ذیل محکمه مکلف بصورت قرار تامين است یعنی چه؟ یعنی الزامی است یعنی تکلیف الزامی است. الزامی است یعنی چه؟ یعنی اختیار بدست قاضی نیست قاضی معنای دیگر هم بفهمد در اینجا ناچار است. چرا؟ بعلمت اینکه قانون بدستش میدهد در وقتیکه سند رسمی باشد ورقه ثبت اسناد است سند مالکیت است آورده است و مطابق این سند مالکیت تقاضای تامين مدعی به میکند ولو قاضی هم بگوید من عقیده ام بر خلاف این است فایده ندارد الزامی هم هست مکلف هم هست و باید تامين بکند بعد از آنکه مکلف شد الزامی شد عالم قاضی اینجا مناط ندارد قاضی مکلف است اینکار را بکند این موردی بود که تامين مدعی به بتقاضای مدعی الزامی است و مکلف است محکمه بپذیرد جزء دوش مستند دعوی سند عادی بوده است ولی مدعی علیه در صدد تضييع و تفریط مدعی به است یعنی چه؟ یعنی به

امارات قویه محقق بشود بادل و يك اسناد قاطعی که مدعی علیه در مقام تضييع و تفریط باشد اینجا امارات قویه نیست اگر همانطوری که نظر مبارک باشد وقتی که آب فرات میخورید در اینجا امارات غیر از برهات است امارات است نه اینکه نشانه ها هست که ما بیایم در ماده هفت بگوئیم يك امارات قویه نمیگوئیم اسناد نمیگوئیم مدارک قویه فرق است مابین این دو تا اعلم العلماء در این جزء دوم همینطوری که آقای مخبر هم بیان کرد که مدعی علیه در ضمن اینکه جواب مدعی را میدهد در ضمن بیاناتش يك اقراری میکند که از همان اقرارش استفاده میشود برای مدعی و آنجا به منزله سند رسمی میشود یعنی اعتبار سند رسمی پیدا میکند. مدعی میچرخد و میگردد و از قراری که در مقام جواب کرده است ثابت میکند جزء سوء می آید مدعی در وقتی که تقاضای تامين مدعی به میکند در همان عریضه که تقدیم میکند به محکمه مدعی به خودش را تعیین میکند و تقاضا میکند و در همانجا هم می آید میگوید که اگر خسارتی واقع شود بر مدعی علیه از این تامين کردن من قبول میکنم اینها مواردی بود که در ماده پنج بود. اما می آئیم سر ماده هفت ماده هفت الزامیات همان ماده پنج بود در غیر آن موارد بنظر محکمه است یعنی این حق را ما برای مدعی اساساً داده ایم. اساساً به مدعی حق داده ایم بعد از آنکه عرض حال او پذیرفته شد در محکمه میتواند تامين مدعی به خودش را تقاضا کند بعد از اینکه این حق را باو دادیم محکمه در اینجا آزاد است یعنی منوط به نظر محکمه است آزاد است این تقاضا را به پذیرد یا رد کند ولی اگر محکمه خواست بپذیرد باز موارد الزامی نیست ها؟ ولی اگر خواست بپذیرد همان تسهیلاتی است که پریشب نظر آقا بود که برای مدعی علیه مرافقت بشود این همان تسهیلات است حالا منکرش شده است دیگر فلما عرفوا کسروا به وقتی ما آمدیم گفتیم بنظر محکمه باشد نه اینکه مطابقاً بگوئیم همین شکل که تقاضا کرد محکمه فوراً بیورد رای بدهد

باز محدودش کردیم محکمه مطلقاً آزاد نیست که فوراً بپذیرد باید امارات قویه باشد بحقیقت او و همینطور نظر باینکه یا امارات قویه دلالت بکند بر اینکه مدعی علیه در مقام تضييع و تفریط است آنهم حاضر شود بیاید محکمه قرار صادر کند پس این تسهیلات است و این ماده با آن ماده مخالف نیست و همان نظری را که غالب داشتند که باید يك تسهیلاتی نسبت بمدعی علیه ملاحظه شود آن تسهیلات را در ماده هفت ما آمده ایم قائل شده ایم

رئیس - آقای کازرونی مخالفند

کازرونی - بلی بنده خواستم فقط رفع اشکال و

ابهامی از بنده بشود و الا در اصل موضوع عرضی ندارم خواستم به بینم اگر چنانچه مدعی تقاضای تامين کرد الساعة که از او تامين میخواهد مدعی علیه چیزی نداشته باشد تنخواه معین مشخصی نداشته باشد که تامين بدهد در این صورت نسبت به او چه رفتاری خواهد شد مثلاً حالا برای اینکه درست روشن شود عرض میکنم تاجر همیشه میخواهد در معرض این باشد که گفته نشود هیچ ندارد و بگویند همه چیز دارد تنخواهی دارد فرستاده است برای خرید فلان چیز ممکن است ضرر کند یا نفع آید سرمایه اش هم از بین برود و همچنین تنخواهی دارد بنا بر این هیچیک از اینها قابل این نیست که آن را بشود تامين کرد و او هم می خواهد بگوید که من آمده هستم معتبر و اعتبارم را میخواهم در ظاهر حفظ کنم اگر این آدم رفت و متشبت بزند و عمرشود که بیاید ضامن من بشود بکلی رشته اعتبارش از هم گسیخته میشود و بالاخره نمیتواند. در صورتی که نتوانست و گفت ندارم نمی توانم فعلاً تامين کنم محکمه با این چگونه معامله خواهد کرد این را اطمینان بدهید که اقللاً اسباب اطمینان و خاطر جمعی باشد

مخبر - عرض میشود آقای کیا در بیاناتش يك

مطالبی فرمودند که يك قسمتهائی از آن را آقای آقا سید یعقوب جواب فرمودند و قسمتی بنظر بنده بلا جواب ماند. فرمودند ما آمده ایم امارات قوبه را با تضييع و تفریط مدعی علیه علت عمدۀ قرار داده ایم و در جای دیگر طور دیگر کرده ایم عرض میکنم بالاخره همه جا يك شرطی مقرون بیک شرط دیگر است اگر سند رسمی است آن علت نامه است ولي اگر سند عادی است سند رسمی نیست باید مدعی به در معرض تضييع و تفریط واقع شده باشد و اگر چنانچه سند عادی بود باید قریبۀ بشود به تامین خساراتیکه از طرف بشود در ماده که اینطور است در ماده سه شرط قریبۀ است یکی امارات قوبه بر صدق اصل دعوی مربوط بتأمین مدعا بد نیست مطالب اشتباه نشود ممکن است این صورت مجلس ها نوشته میشود و این معنی مورد اختلاف نظر قضات هم واقع بشود اگر چنانچه مدعی تقاضای تأمین کرد امارات قوبه بر صدق اظهار و دعوی او بود و اثبات کرد که مدعی علیه در صدق تضييع و تفریط مدعی بد است و تأمین کرد خساراتی را که ممکن است از صدور قرار و اجرای آن بمدعی علیه وارد شود و قاضی هم اساساً نظرش برین بود که قبول نکند آنوقت قرار صادر میکند و الا نمیکند اما این که آقای کازرونی فرمودند در شور اول هم نظرم می آید گوی آقای فیروز آبادی این مسأله را تذکر دادند راجع بمعاملات تجارتي البته يك ترتیب خاصی دارد چنانچه ترتیب محاکمات تجارتي غیر از ترتیب محاکمات حقوقی است بعضی مواضع راجع بتأخیر اعضایش تغییر کرده ولي اصولش محفوظ است مسلم محاکمات تجارتي اختصاری میشود یعنی محاکم عادی نیست ترتیب محاکمات اختصاری هم در قانون معین است البته از نقطه نظر صرفه خود نجات و کسب این ترتیب مقرر شده است که محاکمات اختصاری باشد در موقعی که آن قانون از مجلس گذشته است یا اینکه در موارد حقوقی تأمین مدعی به الزامی نبوده است در قانون تجارت فعلی که الان معتبر است در

قسمت تأمین مدعی به الزامی بوده است برای اینکه مطابق توضیحاتی که آقای وزیر عدلیه دادند همانطوری که شما فکر بیچارگی یا بد بختی یا اعتبار آبروی مدعی علیه را میکنید همان اندازه هم باید فکر اعتبار و آبروی مدعی را هم بکنید یعنی آنکه طلب دارد و بالاخره در همه جای دنیا جریان محاکمات تجارتي اختصاری است و موجباتی در قانونش پیش بینی شده است که محاکمه را زودتر تمام می کنند که از آن مواردش تأمین مدعی به است در یکی از مواد قانون محاکمات تجارتي هست که هر وقت مدعی در ضمن دعوی تقاضای تأمین کرد و تأمین خسرت کرد صدور تأمین الزامی است و باید قرار صادر شود و حالا ما تازه میخواهیم توسعه بدهیم نسبت بموارد دیگر این را اصولاً عرض کرده اما اینکه فرمودید اگر يك مدعی علیهی چیزی نداشت کازرونی - نتوانست

مخبر - نتوانست که معنی ندارد برای اینکه تأمین مدعی به یا راجع است یعنی کسی که در خارج موجود است و مدعی آن عین است که او بتواند بد تواند میگوید فلان عدل مال التجاره عیناً مدعی به من است تقاضای توقیف او را میکند اگر دارائی منقول و غیر منقولی ظاهر را دارد که معرفي میکند آنوقت هم همینطور میشود ولي اگر ظاهر چیزی نداشت که بتواند مدعی معرفي کند و آن را توقیف بکنند البته توقیف معنی ندارد قرار تأمین هم صادر شود چه میشود اگر يك حکمی صادر بشود بر عايله يك مفاسی حکم قطعی از استیفاء هم گذشته باشد و بعد مسلم شود که این مفاسی است آن حکم بلا اثر است قراری است صادر شده تأمین مدعی به که تعلق به ذمه کسی نمیکرد تعلق به عین موضوع میگیرد در خارج یا منقول یا غیر منقول منتهای گفته میشود ارفاقاً بمدعی علیه که بتواند تقاضای تبدیل بضامن بکند و الا اصل قرار متوجه میشود بتوقیف مال منقول یا غیر منقول اگر مال منقول یا غیر منقولی از

مدعی علیه مدعی سراغ نداد البته قرار صادر نمیشود و البته اگر صادر شد اجرا نمیشود بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهادی رسیده است قرائت میشود:

پیشنهاد آقای کیا

مقام منبع ریاست معظم مجلس شورای ملی دامت شوکتۀ ماده هفت را بطریق ذیل بنده پیشنهاد میکنم: در موارد مذکوره در ماده ۵ قبول درخواست تأمین الزامی نبوده یا ادله و امارات قوبه منوط بنظر محکمه است به شرط آنکه محکمه تأمین جریان خساراتی که ممکن است وارد آید بنماید

رئیس - توضیحاتی دارید؟

کیا نوری - بنده عرایض خود را که کرده ام و از فرمایشات آقای محمدریک قسمتی حل شد اما يك قسمت دیگرش حل نشد این قسمتی را که فرمودند مقید است نسبت بسند عادی بنده هنوز تصور نکرده ام که سند غیر عادی یعنی چه تصور بنماید اینجا سه قسم میشود بین ترتیب که حضرتعالی تصور میفرمائید سه قسم مدرک ممکن است ضمیمه عرضحال محکمه برود یکی سند رسمی بلکه چهار قسم یکی سند عادی که بمنزله سند رسمی است این دو تا یکی سند عادی یکی دیگرش سند رسمی است این است که حضرتعالی دارید تصور میکنید (بناستی نوشتهجات) بنده تصور میکنم که از این سه قسم از آنکه بشود مدارکی که ضمیمه عرضحال میشود داشته باشد در اهم که بنماید بسند عادی میشود بسند رسمی یا سند عادی که بمنزله سند رسمی یا سند عادی است و الا بدون مدرک هیچ قاضی نمیتواند عرضحال را از هیچکس قبول کند در این صورت آنوقت باز اشکال تقریباً هست و با وجود این همه این فرمایشات هم که کردید صحیح است تضييع و تفریط را در اینجا مقید فرمودید که تضييع و تفریط با وجود سند عادی تکلیف برای قاضی میآورد تضييع و تفریط ..

آقا سید یعقوب - تضييع یا تفریط

کیا - یا ندارد... البته یا باید باشد تضييع و تفریط دو امر متضادند با هم جمع نمیشوند تضييع و تفریط با امارات آقای آقا سید یعقوب بابت لسان علمی اینجا میخواهند فرق مابین ادله و امارات بگذارند در لسان علمی البته فرق دارد همینطور است ولي در قانون امارات با ادله فرق ندارد (روحی - فرق دارد آقا) دیگر اینکه بنده عقیده ام این است که هیچوقت نمیشود قانون را اجرا کرد مگر با يك شرط که قانون قابل فهم عادی مرده باشد پس باید این دو کلمه ضمیمه بشود البته این فرمایش حضرتعالی عملاً صحیح است اما این را چطور میشود بنده ضمیمه و قضات بگویند: ادله با امارات فرقی ندارد (روحی - فرق دارد) بالاخره در اینصورت که میفرمائید پس باید در این ماده هفت ضمیمه کرد بین شکل حالا بنده يك پیشنهاد دیگری تقدیم کرده ام که نوشته شود در غیر سند رسمی و غیر سند عادی و غیر سند رسمی بمنزله سند عادی در غیر این سه مورد منوط بنظر محکمه است با شرایط ذیل اقلأ قویه را روشتر نکنند

مخبر - بعقیده بنده مطلب خیلی روشن است برای این که سند دعوی یا سند رسمی است فقره اول است بسند عادی است ولي مدعی علیه در صدق تضييع مدعی به است این هم شق ثانی است شق ثالث هم این است که مستند دعوی سند عادی است بدون اینکه مدعی علیه در صدق تضييع باشد ولي مدعی تأمین میکند خسارات را این سه مورد که خدین صریح است الزامی است و قاضی باید قرار صادر کند و در غیر این هر چه شما فرض کنید الزامی نیست بسند بنظر قاضی است ولي در صورت قبولش منوط است باین سه شرطی که در اینجا ذکر شده ام، اینکه فرمودید اماره با ادله یکی است بنده بنظره نباید یکی باشد و در صورتیکه بخواهند از نظر علمی و منطقی وارد قضیه شوند که برهان با دلیل چه فرق دارد اماره صحیح است یا اماره بالاخره این بحث ها را که اینجا نباید بکنیم صحبت سر این است که اماره و دلیل قانونی و عرفاً فرق دارد مثلاً اگر شما تقاضای معاينه محلی از

محکمه کردید که فلان مجرا که فلان دیوار که الان مدعی علیه میخواید خراب کند اگر بیاید مشاهده کنید وصل اجراها بیکدیگر دلیل بر این است که مال من است خود معاینه محکمه این اماره است بالاخره نظائرش هم خیلی است اغلب در معاینات فعلی برای متداعیین یک اماراتی پیدا میشود در هر صورت اینها یک چیز هائی است که سر جای خودش محرز است مواد و قوانین زیادی هست که در جای خودش هست یک اصطلاحات و چیز هائی نیست که تازه در این قانون جعل شده باشد و خواهش میکنم پیشنهادتان را مسترد نکنید برای اینکه بنده نمیتوانم قبول کنم بیش از این هم قانون را معطل نکنید شما تشویق کنید دولت و کمیسیون علیه را که بیشتر قوانین را بیاوریم مجلس.

کیا نوری - مسترد میکنم

رئیس - مسترد کردید؛ (کیا نوری - بلی) پیشنهاد دیگران قرائت میشود:

پیشنهاد دیگر آقای کیا

بنده پیشنهاد مینمایم ماده هفت بطریق ذیل نوشته شود: لکن هر گاه سند رسمی و عادی نبود و محکمه نظر به امارات قویه الی آخر

رئیس - بفرمائید

کیا نوری - توضیح را عرض کردم بایشان که لا اقل قید کنید اینجا که بامورد ماده پنجم فرقی این باشد که در مورد ماده پنجم تضییع و تفریط یا بفرمایش آقای تضییع یا تفریط آنست که سند عادی باشد و در غیر آن مورد شامل ماده هفتم بشود یعنی ماده هفتم در غیر موردی است که سند عادی باشد و این لفظ غیر سند عادی درش قید شود قدری روشنتر و بهتر میشود

مخبر - اولاً این را عرض کنم که در همه جا بجای (واو) یا هست تضییع یا تفریط است برای اینکه در اطراف کلمه واو اختلافی نشود باید تصریح شود که در هر جا که

همچو عبارتی هست تضییع یا تفریط است اما اینکه فرمودید که نوشته شود در غیر مورد اسناد رسمی (کیا - عادی) بلی در غیر مورد اسناد عادی عبارت واضح است نوشته در غیر موارد مذکوره در ماده پنجم بالاخره همان هم که شما پیشنهاد فرموده اید جزء ماده پنجم است و ماده پنجم شامل آن قسمت هم میشود قسمت فقره دوم و سوم را که تکلیف کردیم سند رسمی و سند عادی و قریباً تأمین خسارت دیگر لازم نیست

کیا نوری - مسترد میدارم

رئیس - رأی میگیریم بماده هفتم آقایان موافقین

قیام فرمایند

(اغلب نمایندگان برخاستند)

رئیس - تصویب شد ماده هشتم قرائت میشود:

ماده هشتم - محکمه مکلف است در ظرف در روز از تاریخ وصول تقاضای تأمین رسیدگی کرده و قرار رد یا قبول آنرا بدهد مگر اینکه موجبات تاخیر از ناحیه مستدعی تأمین باشد

رئیس - آقای وثوق

آقا سید مرتضی وثوق - بنده تصور میکنم این ماده هم نقض غرض باشد زیرا وقتی در ماده پنجم مقید شود که مدعی علیه در صدد تضییع و تفریط مدعی به بر آید مکلف بتأمین است وقتی که ما دو روز هم بمحکمه وقت بدهیم و مورد هم مورد تضییع و تفریط باشد البته مدعی به را مدعی علیه تفریط میکند بنده باین جهت با این ماده مخالفم و پیشنهادی هم کرده ام که بمجرد اینکه مدعی در اینجور موارد تقاضای تأمین از محکمه کرد محکمه بفوریت قرار صادر کند

مخبر - در این ماده نوشته شده است که محکمه مکلف است در ظرف مدت فلان رسیدگی کرده قرار رد یا قبول را بدهد. نگفته است که حتماً صبر کند تا آخر وقت در ظرف این مدت اگر محکمه دید مورد همان موردی

است که شما فرمودید زود تر همان روز اول در اولین جلسه قرار صادر میکند (وثوق - الزام کنید) میشود الزام کرد صدور قرار را برای اینکه با تراکم کار در محاکم تصدیق میفرمائید خیلی مشکل است و باید طوری کرد که عملی شود. جلسه معین کرده است دو ماه پیش وقت داده است بیک محاکمه خیلی مهمی طرفین محاکمه و کلاشن حاضر شده اند حالا وقت محاکمه شان است که نتیجه بگیرند يك کسی آمده تقاضای تأمین مدعی به کرده است بالاخره محاکم هم که غالباً بکنفری است. بنظر بنده شما موافقت کنید با ترتیبی که در ماده است غیر از این عملی نمیشود اگر غیر از این عملی بود بنده هم با شما موافقت میکردم که هر چه زود تر قرار صادر شود ولی از طرف دیگر يك شرایط دیگری شده است و آن این است که همینقدر که قرار صادر شد بدون ابلاغ اجرا میشود و منتظر حضور مدعی علیه هم نمیشوند ولی با این ترتیبات بعقیده بنده باید لا اقل برای قاضی فرصت قرار داد که وقت داشته باشد.

رئیس - آقای روحی مخالفید؟

روحی - عرض کنم بنده با مدت مخالف بنده تصور میکنم محکمه در ظرف دو روز نتواند آنطوری که باید انجام وظیفه بکند زیرا تأمین مدعی به يك قسمتش اثاثیه و بعضی اموال غیر منقول است وقت اینها اشکال پیدا میکند. ممکن است يك موقعی يك امانتی در خانه کسی باشد اینرا ببرند توقیف کنند یا خیلی خانه ها اتفاق میافتد که اثاثیه مشترك است بین چند نفر چطور در این مدت این را تشخیص میدهند که مسلماً مال طرف بوده است که مال کسی تضییع نشود. این ها بعقیده بنده در ظرف دو روز کافی نیست. اشکال تولید میکند برای مردم. بنده عقیده دارم لا اقل مدت يك هفته بکنند که اگر يك معترضی نسبت بتأمین مدعی به است بتواند احقاق حق خودش را بکند که مال مردم طوری نشود از بین برود حالا اگر آقای مخبر توضیح اقتاع

کننده بدهند بنده هم کاملاً موافق هستم

مخبر - تصور میکنم برای آقای روحی سوء تفاهمی شده باشد. مدت دو روز برای اجرای قرار نیست برای صدور قرار است. مدت دو روز مهلتی است که بقاضی داده میشود که مجال کند قرار بگذارد که این اموال بایست توقیف شود و اجرای قرار با نامور اجرا است ممکن است دو هفته هم طول بکشد که بروند اموال منقول و غیر منقول را صورت بردارند البته باید صورت بردارند قیمت کنند ثمره اشیاء را معین کنند بالاخره لاک کنند مهر کنند ممکن است يك عملیات زیادی لازم داشته باشد و يك مدتی طول بکشد. این مدت فقط برای قاضی است که قرار صادر بکند در این دو روز بعد ترتیب اجرا با نامور اجرا است و مربوط بقاضی نیست بلکه قاضی غالباً از ترتیب اجرا خبر ندارد.

رئیس - آقای طاهری

طاهری - موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - موافقم

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهاد آقای وثوق

وثوق - بنده مسترد میدارم

رئیس - رأی میگیریم بپرده هشتم آقایان موافقین

قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده نهم قرائت میشود:

ماده نهم - قرار تأمین مزبور باستثنای موردی که در ماده ۱۰ ذکر خواهد شد پس از ابلاغ بلا فاصله بموقع اجرا گذارده میشود مگر اینکه مدعی علیه یا محکوم علیه در موقع اجرا در محل اجرای قرار حاضر بوده و بر آن قرار اعتراض نماید در اینصورت مدعی علیه



یا محکوم علیه ملزم است اموال منقول یا غیر منقول خود را که در تصرف دارد و مورد تأمین بوده انتقال بغير ندهد و در صورت تخلف در حکم انتقال دهنده مال غیر برده و بمجازات کلاه بردار محکوم خواهد گردید  
رئیس - آقای کجا

کیا - بنده اشکالی چندان در این ماده ندارم ولی تصور میکنم که آقای مخبر توجه فرمایند بعموده بنده اگر ماده نه و ده هر دو يك ماده میشد بهتر بود برای فهم مطالب زیرا روح این دو ماده این است که بعد از ابلاغ و اجرا برای هر يك از اینها يك استثنائی است و این دو موضوع در هر دو ماده ذکر شده است در ماده نه مذکور قرار تعیین مزبور استثنائی مبردی که در ماده ۱۰ ذکر خواهد شد پس از ابلاغ بلافاصله بموقع اجرا گذارده میشود در ماده ده میگوید در مورد اموالی که مدعی علیه نزد دیگران دارد وقتی قرار تعیین بموقع اجرا گذارده میشود که بمدعی علیه یا محکوم علیه ابلاغ شده باشد موضوع هر دو ماده ابلاغ و اجرا است که بعد از ابلاغ اجرا میشود منتها يك استثناء بمبالغ میخورد يك استثناء به اجرا استثناء بمبالغ این است مگر اینکه غایب بوده باشد اگر در موقع ابلاغ مدعی علیه غایب بوده باشد لهذا او را اجرا میکنند بدون ابلاغ موضوع ثابتی موضوع اجرا است اگر در موقعی که ابلاغ شد و مدعی علیه حاضر شد ولی بعد از صدور اعتراض تعیین شد البته اینجا اجرا نمیشود ابلاغ شده ولی اجرا نمیشود و فقط چیزی که اینجا اثر میکند این است که بمدعی علیه میگویند که اجرا میکنیم ولی شما موقعی که اعتراضتان رسمی نشود و موارد تعیین معین نشود حق انتقال بغير ندارید پس این دو ماده یکی است پس اگر این دو ماده یکی شود بطوری که بنده عرض کردم گمان میکنم بهتر باشد همینطوریکه عرض میکنم که قرار ابلاغ و اجرا در دو مورد استثناء ارزش بشود و بلافاصله بعد از قبول قرار تأمین محکمه

بعد از ابلاغ اجرا میکند مگر این که غایب باشد وقتی که غایب شد ابلاغ لازم نیست یا اینکه اعتراض کند پس در موقعی که اعتراض کند ابلاغ میشود ولی اجرا نمیشود این است عقیده بنده

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - آقای کیا خیلی خوب سخن دارند ولی اگر خودشان توجه فرمایند هو نیست بعد از دو ساعت که حرف میزنند هیفره میزند که این دو ماده را یکی کنیم ما آقا میخواهیم قانون بشیریم شد الان داریم صحبت میکنیم که قانون مشکل نوشته نشود شما خودتان الان سه ساعت دارید صحبت میکنید و يك اشکالی تولید میکنید میفرمائید دو ماده یکی شود در صورتیکه این دو ماده که موضوع مختلف است دو مطلب مستقل است هر يك از اینها يك مسئلهی دارد آنوقت میفرمایند که به بنده بیصحتی گردید بنده تمام مطالب را زردی دقت نگاه میزنم و عرض میکنم که این میگذرد که آن ماده هفت مشکل است ما نمیتوانیم آنوقت اینجا بپردازیم در دو موضوع مختلف و تعیین میگویند دو تا یکی کنیم اینجا به اصل ماده توجه فرمائید که سبب ماده برای چه نوشته شده است اصل سبب ماده برای این است که بعد از اینکه مدعی تقاضای تعیین مدعی به را کرد مدعی علیه نتواند این مدعی به را که تعیین شده است انتقال دهد چطور؟ همینطور که ملاحظه میفرمائید يك مجازات خیلی قوی هم برایش داده شده است آنوقت استثناء بمباردی که در ماده ۱۰ ذکر خواهد شد پس از ابلاغ بلافاصله بموقع اجرا گذارده میشود یعنی چه یعنی دیگر اینجا وقت داده نمیشود بمدعی علیه که بیاید و این را انتقال بدهد و از بین بردار بواسطه اینکه بر محکمه محقق شد حقانیت مدعی در این تقاضا کردن قرار هم صادر کرد این قرار را که صادر گردید فوراً بموقع اجرا بگذارند برای چه برای اینکه مدعی علیه این شیئی را از بین نبرد الا اینکه مدعی علیه اعتراض نماید در اینصورت مدعی علیه

یا محکوم علیه ملزم است در صورتیکه اعتراض داده انتقال ندهد یعنی بگذارد باشد اینجائی که برایش استثناء قائل شده ایم و قانون رخصت باو داد این حال برایش هست که میتواند اعتراض را بکند ولی انتقال ندهد این يك موضوعی است مسلم و مستقل و دارای يك آثاری و يك احکامی این احکامش هم هست اگر در اینصورت انتقال داد کلاه بردار است و داخل میشود در آن قانون مجازات عمومی این ماده برای این است چه ربطی دارد بماده ده ماده ده میگوید در مورد اموالی که مدعی علیه نزد دیگران دارد آقا این هیچ ربطی بن ندارد در مورد اموالی که مدعی علیه نزد دیگران دارد وقتی قرار تأمین بموقع اجرا گذارده میشود که بمدعی علیه یا محکوم علیه ابلاغ شده باشد مالی دارد آقای کازرونی پیش بنده و باید مال ایشان تعیین شود حالا این نسبت بشخص ثالث است نه نسبت به اوست این شخص ثالث است و مال شما در دست شخص ثانی است میخواهند این را اجرا کنند این هیچ ربطی به دارد این است آقایان فرمایش اعلم العالما که همه شنیدید  
(خنده نمایندگان)

رئیس - آقای ظاهری

ظاهری - موافقم

رئیس - آقای روحی

روحی - عرضی ندارم

رئیس - آقای کیا

کیا - بنده تصور میکنم که آقای انصافی اگر در بنده هر چه فکر میکنم می بینم این دو موضوع در این دو ماده یکی است حالا اگر شما میخواهید این کار را بکنید و ماده اول بنویسید که ابلاغ از طرف محکمه میشود مگر در موردیکه مدعی علیه غایب باشد این يك موضوع اجرا در موقعی میشود که مدعی علیه اعتراض نکند این دو موضوع خیلی خوب است ولی شما بر داشته آید

این دو موضوع را در ماده نه و ده تکرار میکنید آنوقت استثنا را هم بر هم میزنید در ماده ده باز همان را تکرار می کنید بسیار خوب پس شما بیائید ماده نه را راجع به ابلاغ و ماده ده را راجع به اجرا بکنید آنوقت بنده هم قبول میکنم

مخبر - فرمایشی را که آقا فرمودند با اینکه خیلی فارسی بود بنده که چیزی از آن نفهمیدم مانند کتاب نخود بولاد اگر آقا خوانده باشند در علم کلام است فارسی هم هست ولی عبارتش طور است که چیزی ازش نفهمیده نمیشود حالا بنده منظور از فرمایشات جنابعالی چیزی نفهمیده (خنده نمایندگان) بلاخره این عبارت بنظر بنده خیلی ساده است و مربوط بماده بعدش نیست اول مربوط باین است که اگر مال مدعی علیه که در نزد شخص ثانی است بخواهند توقیف کنند که نوشته اند در مورد اموالی که مدعی علیه نزد دیگران دارد قسمت دیگر این است که فاصله بین ابلاغ و اجرا نباشد برخلاف سایر موارد همینقدر که ابلاغ کردند اجرا میشود در این قسمت مدعی علیه حق نقل و انتقال ندارد اگر انتقال داد مجازات میشود امروز عصر یک ساعت لغروب يك قراری بمن ابلاغ شد که فلان مال من باید توقیف شود من اگر نیمساعت بعد انتقال بدهم این انتقال اثر قانونی ندارد و مجازات کلاه برداری هم در پاره این شخص میشود مقصود این است ولی اجرایش البته ممکن است دو هفته هم طول بکشد و در این فاصله که پیدا میکند بعد مدعی علیه بیاید و اعتراض بکند و بلاخره این ابلاغ لااقل این اثر را دارد که حق نقل و انتقال ندارد و بنظر من این ماده خیلی واضح است حالا اگر عبارت توضیح واضح است و نه زیادی است ضرری ندارد جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - رای میگیریم بماده ۹ آقایان موافقتین قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد

۴ - ختم جلسه - موقع و دستور جلسه بعد

رئیس - پیشنهاد ختم جلسه شده است (نمایندگان صحیح است)

دشتی - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید

دشتی - بنده عقیده ام این است چون این قانون خیلی مفصل است و اگر ما بخواهیم در هر جلسه یکی دو ماده بگذرانیم خیلی طول خواهد کشید علاوه بر این شب ماه رمضان است ما مجبوریم بالاخره که تا سحر نخواهیم پس چه ضرری دارد که شب ماه رمضان را استفاده کنیم واقعاً تا ساعت دوازده کار کنیم (ملک آرائی) شب اول است (الان یکساعت و نیم هم سه دوازده باقی است بعقیده بنده بهتر این است که جلسه را اداء بدهیم

رئیس - آقای عدل

عدل - الان مدتی است که مجلس تشکیل شده است و ما هم اجباری نداریم که تا ساعت دوازده بنشینیم فرضاً آقا نخواهند بخواهند شاید دیگران بر خلاف ایشان خوابشان میآید و حالاً هم که چیزی در دستور نداریم اگر کار زیادی داشته باشیم تا ساعت دوازده هم کار میکنیم و حالاً هم ما غیر از لایحه تأمین مدعی به کاری نداریم دو سه ساعت هم هست که داریم کار میکنیم و بس است

رئیس - آقایانی که باختم جلسه موافقت قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد جلسه آینده اگر اجازه بیشتر باشد شب یکشنبه ۲۰ بهمن ساعت هفت و نیم آقای یاسائی یاسائی - عرض میکنم بنده مخالفم که جلسه شب یکشنبه باشد برای اینکه این قانون بطوریکه آقای دشتی فرمودند خیلی مفصل است چهل ماده دیگر مانده است و تصور میشود که دولت هم از نقطه نظر تعدیل بودجه تا چهار یا پنج خواهد آورد و شاید آن لوائح یا فوریتی هم داشته باشد لهذا بنده خواهش میکنم که جلسه را زودتر قرار بگذارید که لا اقل این لایحه بگذرد و اگر دولت لایحه بیورد مجالی داشته باشیم

رئیس - بنده این موقعی را که عرض کرده سنجیده بود قبلاً از دولت استمراج کرده بودم که آیا کار فوری که لزوم جلسه سریعتری را بخواهد در نظر دارید یا خیر بعد از اینکه جواب منفی دادند اینطور عرض کرده (مجلس ساعت ده و نیم بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر